



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه معصومیه (سلام الله علیها) شهرستان شیراز

**عنوان:**

**بررسی عقاید و اندیشه های وهابیت**

**استاد راهنما:**

سرکار خانم آهنگران

**پژوهشگر:**

مریم زینلی

اعظم بانوزاده

سیده آسیه موسوی نژاد

بهار ۹۷

## چکیده

وهابیت جریانی فکری، سیاسی است که در قرن اخیر ظهور کرده است، این جریان دیدگاه های نوظهوری در برداشته و مانند هر مکتب فکری بر مبانی پیش فرض هایی تکیه دارد و نخستین گام برای بررسی درستی یا نادرستی یک نحله فکری تحلیل و نقد مبانی آن است. پیش فرض های وهابیت به بررسی مبانی عقاید وهابیت پرداخته و چگونگی بوجود آمدن وهابیت، عملکرد مبانی فکری و قرار گرفتن بر سر دو راهی، یکی شاخه شدن وهابیت متعصب و تند رو و روشن فکرو معتدل، اعتقاد به حجیت مطلق، ظواهر قرآن و حجیت بخشیدن به خبر واحد صحابه و تابعان در عقاید و عقل ستیزی و نیز برداشت اشتباه از مبانی توحید، و عبادت مسیر بیراهه را پیموده است. وهابیت با انحراف از تفسیر صحیح قرآن کریم و آموزه های آن، به تکفیر مسلمانان به ویژه شیعیان و شرک و کفر دانستن بسیاری از عقاید آن ها پرداخته است. بنیان گذار وهابیت ابن تیمیه و شاگردش عبد الوهاب بوده، سرگذشت زندگی ابن تیمیه و عبد الوهاب و بوحد آوردن فرقه وهابیت، نظریه های قرآنی برای وحدت بین شیعیان و اهل سنت و اطاعت از خداوند و پیروی از دستورات پیغمبر و ائمه اطهار، نظر و عقاید دانشمندان و محققان درباره ابن تیمیه و دین اسلام، هدایت و راهنمایی امت های مسلمان برای جلوگیری از تفرقه.

کلید واژه: وهابیت، ابن تیمیه، عبد الوهاب، قرآن

## مقدمه

سلفی های متعصب و تند رو که همه ی مسلمین جهان، جز خود را تکویر کرده و مشرک می شمارند و خون اموال آن ها را مباح می دانند، جمود در اندیشه و خشوند در سخن از عمل از بارز ترین ویژگی آن هاست؛ از بحث های منطقی و عقلی گریزانند. در افغانستان، عراق، پاکستان و حتی در زادگاه خود (عربستان) آنقدر خشوند آفریدند که تمام دنیا از آن ها بیزار شده اند و ترسیم بسیار زشتی از اسلام در جهان ارائه کردند که برای زدودن آن باید سال ها تلاش کرد، آن ها به پایان عمر خود نزدیک شده اند و به زودی صحنه ها را ترک می گویند.

وهابی های معتدل و روشن فکر که اهل منطق و گفتمان «حوار» هستند، به افکار سایر اندیشمندان احترام می گذارند و به گفتگوی دوستانه می نشینند نه فرمان قتل کسی را صادر می کنند و نه مسلمانی را مشرک و کافر می شمارند و نه حکم به اباحه اموال و اعراض می دهند و روز به روز طرفداران بیشتری پیدا می کنند.

این واقعیت برای بعضی بسیار تلخ و ناگوار و برای بعضی شاید شگفت آور است که مارکسیسم-و محصول آن کمونیسم- به پایان عمر خود نزدیک می شود و هم اکنون در سرایشی زوال قرار گرفته است.

اکنون تمام شواهد و قرائن نشان می دهد که عمر وهابی گری افراطی به سر آمده و طرفداران و حامیان خود را به سرعت از دست می دهند و به گذشته تاریخ سپرده می شوند و هم اکنون آثار این فروپاشی نمایان شده است زیرا در بطن اصول وهابیت اموری نهفته است که قابل بقا و دوام در دنیای امروز نیست.

## سپاه صحابه

قرن ها شیعیان و اهل تسنن در شبه قاره هند در کنار هم به عنوان برادران مسلمان میزیستند تا زمانی که وهابیون متعصب به عنوان سپاه صحابه شروع به کشت و کشتار کردند وبا استفاده از ترور های بی رحمانه، خون این گروه از مسلمین را اعم از زن و مرد و کودک به خاک ریختند، پیدایش و حرکت این گروه از دید خبر گزاری های جهان چنین است: این سپاه که ادعا دارد پیرو دین پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله) بوده و از این رو خود را سپاه صحابه نامیده است گروه افراطی است و یکی از فرق اهل تسنن را در برمی گیرد، این گروه یکی از اهداف مهم خود را مبارزه با عزاداری امام حسین (علیه السلام) و در واقع تخطئه قیام آن حضرت می دانستند و مجله خلافت (راشده) در طول سال های انتشار خود بار ها این خواسته ها را به اجرای عمل گذاشتند.<sup>۱</sup>

## تحلیل عقیده

متعصبان وهابی اخیرا کتاب هایی در رد بعضی از مذاهب اسلامی نوشته و آن ها را در میان حجاج بخش می کنند کاش مطالب مودبانه ای بود، کتاب هایی است با ادبیات زشت و الفاظ رکیک و مشتمل از انواع دروغ ها و تهمت ها و نسبت دادن شرک و کفر به دیگران.

آن ها باید به عقاید تمام مسلمین جهان احترام بگذارند و از هتک وتوهین نسبت به مقدسات آن ها بپرهیزند و پا را از گلیم خود فراتر نکنند که نه خدا راضی است نه خلق خدا و این کار عاقبت خوبی ندارد.

اکنون می فهمیم چرا طالبان و الغاعده که از وهابیان تند رو هستند به خودشان اجازه می دهند تنها در یک بمب گذاری در نجف صد پنجاه نفر را بکشند و سیصد نفر را مجروح کنند.<sup>۲</sup>

## جمود و مخالفت با هر پدیده نوین

بنیان گذار مذهب وهابی با هر گونه بدعتی به مبارزه برخاست چیزی که از نظر اصولی مورد انکار سایر فرق مسلمین نبود زیرا همگی بدعت ها را در دین به طور کلی انکار می کنند.

در حدیثی از پیغمبر (صل الله علیه و آله) می خوانیم: (أَهْلُ الْبَدْعِ شَرُّ الْخَلْقِ وَالْخَلِيفَةُ) بدعت گزاران بدترین خلق خدا هستند. (علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، ۸۸۸-۹۷۵ق، ج ۱۰۹۵)

۱- کاظم، مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ص ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۸۶، ص ۲۴  
۲- همان، ص ۵۳

بدعت تفسیر خاص خود را دارد و آن این است که انسان چیزی را که در دین نیست جزء دین قرار ندهد، در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده است: (ما أحدثت بدعة الا ترک بها سنة) هیچ بدعتی حادث نشد مگر این که سنتی با آن ترک شود. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۹۳)

کسانی که بر اثر جمود فکری با این آداب اجتماعی مسلمین و غیر مسلمین مخالفند جایگاهی در دنیای امروز ندارند متأسفانه جمود و کمی اطلاعات این گروه سبب شده است که این دو مطلب با هم اشتباه شود.<sup>۱</sup>

## تاریخ زندگی ابن تیمیه

احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حمبلی متولد سال ۶۶۱ و متوفای ۷۲۸ هجری قمری است. در شهر حران در شام متولد شد و به سبب جور تاتار در کودکی همراه با خانواده اش حران را به سمت دمشق ترک کرد، او که حمبلی مسلک بود در صدد ترویج مذهب حنبله برآمد و مانند حنبله علم کلام را مردود دانست و متکلمان را اهل بدعت شمرد و در مسئله صفات خداوند مانند حنبله الفاظ صفات پروردگار را که در نصوص آمده، بدون هر گونه تفسیر پذیرفت و به طور کلی هر گونه عقل گرایی را محکوم کرد، او علاوه بر حمایت از روش و عقاید اهل حدیث، عقاید جدیدی را نیز اضافه کرد که قبل از او سابقه نداشت.<sup>۲</sup>

برای مثال سفر کردن به قصد زیارت پیامبر (صل الله وعلیه و آله) و تبرک جستن به قبر او و توسل به ائمه (علیهم السلام) را شرک دانست و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) که در صحاح اهل سنت و حتی در مسند امامش احمد بن حنبل وجود داشت انکار کرد و تلاش می کرد مانند بنی امیه، شان و مقام امام علی و فرزندان را پایین آورد اما دعوت ابن تیمیه از سوی علمای اهل سنت مورد پذیرش قرار نگرفت، و جزء ابن القیم جوزیه که بزرگ ترین شاگرد و مدافع سر سخت ابن تیمیه بود، در همه اقوال و عقاید تابع و حامی بی چون و چرای او بود، و در زمان حیات و پس از مرگ بارها با وی به زندان رفت به همین سبب او را تازیانه زدند و سوار بر شتر در شهر گرداندند و با ابن تیمیه در دمشق زندانی کردند. از مدافع سرسخت ابن تیمیه، ابن کثیر مؤلف کتاب البرایة و النهایة متوفی ۷۴۴ را نام برد او از علمای بزرگ ابن تیمیه که از او دفاع کرده و به سبب این کار مورد نفرت جامعه قرار گرفت، از دیگر شاگردان ابن تیمیه احمد بن محمد مری لبللی، حنبلی است که به گفته ابن حجر نخست مخالف ابن تیمیه بود ولی پس از ملاقات با او از دوستان و شاگردان او گردید و مصتفات او را نوشت و در طرفداری از او پافشاری کرد. اما اهل سنت با او مخالفت کردند و کتاب های متعددی از بدعت هایش نگاشتند. و همچنین از مخالفان او علمای برجسته حوزه های علمیه به صورت وسیع در برابر اشتباهات ابن تیمیه به مقاومت پرداختند و

۱- کاظم، مکارم شیرازی، و هابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۸۶، ص ۶۹

۲- همان، ص ۷۶

با این که طرفداران قابل ملاحظه ای داشت نفوذ او را به دلایل منطقی درهم شکستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۹-۸۰)

از جمله، زهبی از علمای هم عصر او نامه ای به او نوشت و او را مورد نکوهش قرار داد، زهبی خطاب به او می نویسد حال که در ده هفتاد از عمر خود هستی و رحلت از این عالم نزدیک است آیا وقت آن نرسیده که توبه و آنباه کنی.<sup>۱</sup>

در مصر نیز قاضی القضاات فرقه های چهار گانه اهل سنت آرای ابن تیمه را غلط و بدعت را اعلام کرد. ولی در قرن دوازدهم محمد بن عبد الوهاب ظهور کرد و از افکار ابن تیمیه حمایت نمود و از میان عقاید او پیش از همه بر همان عقاید جدیدش تاکید نمود. علاوه بر عقاید فوق ابن تیمیه دارای عقاید خاص دیگری بود، او در سال ۶۹۸ در بحث های داغ اعتقادی داخل می شد و با مخالفین خودش به مناظره می پرداخت؛ از جمله عقاید و رفتار او می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- حدود شرعیه خودش را اقامه می کرد.

۲- موی سر کودکان را از ته می ترشید.

۳- کسانی که مخالف عقیده او بودند با او آماده پیکار می شد.

۴- از دادن ندور مردم را نهی می کرد.

۵- به امکان رویت حسی خداوند اعتقاد داشت.

۶- ضعف منطق و برداشت نادرست از واژه قرآن.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه در مورد خوارج اعتقاد داشت با این که خوارج از دین خود خارج شده اند اما راستگو ترین مردم بوده اند. اکنون ابن تیمیه موفق به گسترش سفره سلفی ها در شام شد، ولی محمد ابن عبد الوهاب آن را در سرزمین نجد گسترد و سپس دامنه آن را به تمام جزیره عربستان کشید و این اعتقادات را به نام خود به عنوان آیین وهابیت ثبت کرد.

در آن زمان میان قبایل نجد بر سر حکومت منازعات شدیدی بود، محمد بن عبد الوهاب طبق تواریخ موجود از این موقعیت استفاده کرده و با آل سعود پیمان بست که آن ها از افکارش حمایت کنند، او هم پیروان خود را برای کشور گشایی در اختیار آن ها قرار داد.

۳- همان، ص ۷۷

۱- کاظم، مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۸۶، ص ۷۷



شاهکار مهم مذهب وهابیت در مسئله توحید و شرک، همان گونه که گفتیم بر گرفته از عقاید ابن تیمیه دمشقی می باشد؛ بنابراین پرستش آن ها نسبت به بت ها برای خالق و رزاق بودن آن ها نبود، بلکه فقط برای شفاعت بت ها بود، پس هر کس غیر خدا را شفیع بداند مانند مشرکان عرب جان و مال او مباح است، این بود عصاره کلام آن ها در مسئله توحید و شرک. هنگامی که بت پرستان عرب مورد اعتراض واقع شدند گفتند: (ما نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَقَرَّبَنَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى) ما بت ها را تنها برای این پرستش می کنیم که ما را به خدا نزدیک کند. (سوره زمر، آیه ۳) هرگز پیامبر سخن آنان را نپذیرفت.<sup>۱</sup>

چرا رهبران وهابیت حاضر نیستند با دیگر علمای اسلام به بحث منطقی بنشینند تا حقایق روشن شود، بحث های آنان همچون پاسخ های بعضی از پیشوایان آن ها که با جمله ی ایها المشرك الجاهل آغاز می شود و گوینده با پیش داوری خود طرف مقابل را نخست محدود الدم و مشرک و نادان شمرده سپس با او بحث می کند چرا آن گونه که قرآن دستور داده حاضر نیستند بحثی دوستانه براساس (فَبَشِّرْهُ عِبَادِ الَّذِينَ يَشْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) این همه خون های پاک مسلمین ریخته نمی شد و اموال آن ها به غارت نمی رفت و دشمنان بر آن ها مسلط نمی شدند و اقلیت کوچک صهیونیست همه چیز آن ها را به بازی نمی گرفت. (سوره زمر، آیه ۱۸-۱۸)<sup>۲</sup>

نخستین واژه مهمی که وهابیان در آن گرفتار اشتباه و خطا شده اند آن است که فتوای اباه خون و مال و نوامیس بسیاری از مسلمین را صادر کرده اند، که واژه شرک و مشرک است. (مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ) حقیقت شرک عظیم آن است که کسی را همتای خدا و هم تراز او در خالقیت و مالکیت و ربوبیت و عبادت بدانیم. (سوره یوسف، آیه ۱۰۶)<sup>۳</sup>

ابن تیمیه پیوسته افکار عمومی را با نظر دادن بر خلاف آرای مشهور و رایج مسلمین متشنج می کرد، تا این که در سال ۷۰۵ در دادگاه محکوم و به مصر تبعید شد وی در سال ۷۰۷ از زندان آزاد شد ولی تا سال ۷۱۲ به شام برگشت و در آن جا به نشر افکار و نظریات خود پرداخت تا این که مجددا در سال ۷۲۱ محکوم و روانه زندان شد و در سال ۷۲۸ در زندان در گذشت.<sup>۴</sup>

۲- همان، ص ۸۳

۳- همان، ص ۸۷

۱- کاظم، مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۸۶، ص ۸۸

۲- جعفر، سبحانی، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ج ۴، ۱، موسسه امام صادق (علیه السلام) ۱۳۸۸، ص ۲۵

## دلایل ناکامی ابن تیمیه

آگاهان می دانند امام مذهب وهابی به اعتراف خودش بر سر سفره ابن تیمیه نشسته بود، ابن تیمیه درباره شرک-توحید- شفاعت و مانند آن همین افکار را داشت، ولی چه شد که او نتوانست در دمشق این سفره را بگستراند، و این خطر را برای شامات ایجاد کند؛ اما شاگردش محمد بن عبد الوهاب موفق شد.<sup>۱</sup>

## تاریخ زندگی عبد الوهاب

محمد بن عبد الوهاب در سال ۱۱۱۵ در شهر عینیه از توابع نجد دیده به جهان گشود، پدر وی عبد الوهاب که مرد صالح و متقی بود از قضات آن شهر به شمار می رفت. محمد فقه حنبلی را در زادگاه خود آموخت سپس برای تکمیل معلومات رهسپار مدینه منوره شد و در آن جا به تحصیل حدیث و فقه پرداخت در دوران تحصیل در مدینه گه گاه مطالبی بر زبانش جاری می شد که از عقایدی خاص حکایت داشت چندان که اساتید وی نسبت به آینده اش نگران شده بودند و می گفتند اگر این فرد به تبلیغ بپردازد گروهی را همراه خواهد کرد، چندی بعد عبد الوهاب مدینه را به سوی نقاط دیگر از جمله ۴ سال در بصره، ۵ سال در بغداد، ۱ سال در کردستان، ۲ سال در همدان و اندک زمانی در اصفهان و قم و آن گاه از طریق بصره آهنگ احسا کرد و از آن جا به حریمه اقامت گاه پدرش رفت.<sup>۲</sup>

پس از در گذشت پیامبر اسلام و اصطکاک فرهنگی اسلامی با اندیشه های وارداتی، رومی، ایرانی و هندی پدیده نو اندیشی در دین و مجامع علمی قد بر فراشت؛ و گروهی تحت عنوان اصلاح گران دینی و مبارزه با بدعت ها و پیرایه ها، مکتب هایی را پی ریزی کردند که متاسفانه نه تنها به بدعت ستیزی نینجامید بلکه منشا یک رشته بدعت های تازه بر پیکره دین گردید؛ برخی از دور شاهد این جریان ها بودند که آن ها را مصلح و نو اندیش می شمردند، در حالی که آنان به حق مصداق این آیه مبارکه می باشند (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ) آنگاه که به آنان گفته می شود در زمین از فساد بپرهیزید می گویند ما اصلاح طلبان هستیم. (سوره بقره، آیه ۱۱)<sup>۳</sup>

۳- کاظم، مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۸۶، ص ۷۵

۴- جعفر، سبحانی، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ج ۴، ۱، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸، ص ۳۶

۱- جعفر، سبحانی، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ج ۴، ۱، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸، ص ۵

پیامبر گرامی با تلاش های بی وقفه خود پیوند اخوت میان منادیان توحید پدید آورد و همگان را در مقابل کفر جهانی بسیج کرد. مسلمانان در پرتو توحید توانستند در برابر ضربات سهمگین سلیبیان و غصابت های ثنویان (مغول) ثابت و استوار بمانند، ولی متأسفانه این وحدت کلمه به وسیله پایه گذار مکتب وهابیت در هم شکست و در زیر آسمان مدال اسلام تنها نصیب گروهی می شود که مکتب وهابیت را در بست بپذیرند.<sup>۱</sup> اتحاد رمز پیروزی ملت ها بر مشکلات و پیشرفت ها در مسیر کمال است و اصولاً کار جهان بر محور پیوند و اتحاد بنا می گردد. جوی های کوچک که به هم می پیوندند رودخانه ای عظیم را می سازند که دریا را با همه وسعت و گستردگی سیراب می سازد.<sup>۲</sup>

قرآن مجید در همه جا وحدت کلمه را ستوده و امت اسلام را از تفرقه و پراکندگی بر حذر داشته است. نخستین اقدام پیامبر در مدینه اجرای عقد اخوت و برادری میان دو طایفه بزرگ اوس و خزرج بود آن ها در پی سال ها جنگ و خون ریزی با یکدیگر به صورت دو دشمن خونی در آمده بودند، و حضرت به حکم (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ) ایشان را با هم برابر ساخته و آن ها را واداشت تا کینه های کهن را فراموش کنند. (سوره حجرات، آیه ۱۰) ایشان را باهم برادر ساخته و آن ها را واداشت تا کینه های کهن را فراموش کنند، وحدت مسلمانان بر یهودیان یثرب گران آمد و همچون امروز بر آن شدند که آن را بر هم بزنند.

جهود عنودی به نام شاس که از صلح و صفای جوانان اوس و خزرج سخت به خشم آمده بود یکی از جوانان یهودی را تحریک کرد تا به محفل آنان گام نهد و با یادآوری خاطرات ناگوار جنگ های پیشین اوس و خزرج بذر نفاق را مجدداً بین آن ها بپاشد. این توطئه ننگین کار آمد افتاد و ساده لوحانه دو قبیله تحت تاثیر قرار گرفتند، نزدیک بود که نبرد خونینی میان آن ها در برابر مسجد نبی رخ دهد که خبر به پیامبر رسید و فوراً آن ها را با جملات کوبنده از سقوط در گرداب تفرقه بازداشت.<sup>۳</sup>

هجوم مغول به جهان اسلام در اوایل قرن ۷ هجری برای غرب سلیبی از همان آغاز رویداد بسیار مقتنمی تلقی شد و بر پای همین تلقی بود که در همان سال های نخست این هجوم غریبان حمله طولانی خویش را برای محو تمدن اسلامی آندلوس آغاز کردند گفتنی است که در طول سلطه مغول فرستادگان سلاطین غرب همواره به دربار مغول رفت آمد داشتند و می کوشیدند با جلب نظر و هم دستی آنان امت اسلام را از دو سو تار و مار کنند. ابن اثیر جزری، مورخ مشهور می نویسد: مصائب وارده بر مسلمین از سوی مغول آن چنان سهمگین بود که مرا یارای نوشتن آن نیست و ای کاش مادر مرا نمی زاید.

۲- همان، ص ۸

۳- همان، ص ۱۱

۴- همان، ص ۱۳

امر چنین بود که در آغاز قرن ۸ هجری احمد بن تیمیه روی برخی سنن و عقاید رایج مسلمین انگشت اعتراض نهاد و گرایش به آن ها را مایه شرک و دوری از توحید پنداشت برای نمونه مدعی شد که شفاعت اولیا در روز رستاخیز واقعیت دارد، ولی درخواست شفاعت آنان در این دنیا شرک است.<sup>۱</sup>

متأسفانه توحید مورد نظر ابن تیمیه توحید جسمانی بوده که سرانجام خدا را بع عرش نشانده و احیاناً از آن نیز پایین تر می آورد و در حد تغییر خود ابن تیمیه او نیز از نقطه ای به نقطه دیگر فرو می آید، پیامبر و اولیا الهی گرامی و عزیز ترین مخلوق روی زمین می باشن. قرآن و روایات بر مقامات معنوی آنان گواهی می دهند و این که مرده و زنده آن ها یکسان بوده و همچنین ارتباط آن ها چنان با امت اسلامی برقرار می باشد. در مکتب ابن تیمیه پیامبر و اولیا پاک الهی به صورت یک انسان عادی در می آیند که پس از مرگ رابطه آنان با امت خود گسسته شده و کمترین سودی به حال امت ندارند.

بررسی تاریخ زندگی ابن تیمیه و اوضاع اسف بار مسلمین در عصر وی نکته های بسیاری را برای عبرت از تاریخ در بر دارد.

## وهابیون جدید

آن چه در حال زوال و سراسیمگی سقوط است قشر متعصب و متهجر و خطرناک وهابی است که همه مسلمین جز خود مشرک می دانند و جان و مال آن ها را مباح می شمارند تا چه رسد به غیر مسلمانان، ولی قشر معتدی در حال ظهور و بروز است این قشر که بیشتر از نسل تحصیل کرده و جوان تشکیل یافته که حتی برخی از اساتید و علمای بزرگ با آن ها هماهنگ هستند.<sup>۲</sup>

### ۱- خطر غلات

به یقین یکی از عوامل پیشرفت فکر وهابی گری افراطی، در میان قشری از مسلمین جهان تند روی های غلات است همان افراد نادان و بی سواد که درباره بزرگان دین به غلو پرداختند و آن ها را از درجه عبودیت بالا بردند و به الوهیت رساندند و شریک خدا قرار دادند بی شک خطر آن ها کمتر از خطر وهابیون متعصب نبوده و نیست و اگر این ها نبودند بهانه ای در دست آنان نبود به همین جهت وظیفه علمای اسلام همیشه و بخصوص امروزه بسیار سنگین است، از یک سو باید به هدایت غلات برخیزند و از سوی دیگر به سفسطه های وهابیون تند

۱- جعفر، سبحانی، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ج ۴، ۱، موسسه امام صادق (علیه السلام) ۱۳۸۸، ص ۲۳

۲- کاظم، مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷

روپاسخ گویند، و چه مشکل است حفظ تعادل توده های کم سواد در این امور، حتی گاه دیده می شود که برخی از کسانی که به ظاهر در سلوک عالمان هستند به یکی از این دو طرف می لغزند.<sup>۱</sup>

## ۲- مهم ترین اتهامات پیشوایان وهابی

ابن فرحان از عالم مشهوری به نام زهاوی نقل می کند که اگر کسی سوال کند مذهب وهابیون کدام و نتیجه این مذهب چه چیزی می باشد؟! من در جواب هر دو سوال می گویم: حکم به کفر همه مسلمین جهان! این پاسخ کوتاه برای این گونه سوال ها کافی است با این که قرآن صریحا از متهم ساختن مسلمین و حتی کسانی که در ظاهر ادعای اسلام می کنند منع می کند.

(وَلَا تَقُولُوا الْقَوْلَ الْيَكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَتَّبِعُونَ غَرْصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) به کسی که اظهار اسلام می کند نگوید  
مسلمان نیستی تا بدین وسیله، سرمایه ناپایدار دنیا را بدست آورید و (اموال او را به غنیمت بگیرید)<sup>۲</sup>

---

۳- همان، ص ۱۳۹

۱- کاظم، مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، ج ۹، ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳

## نتیجه گیری

با توجه به آیات و انگیزه مشرکان در پرستش فرقه های غیر دینی نتایج روشنی به دست می آید مشرکان در عصر رسالت و پیش از آن معتقد به خدایان و معبود های کوچکی بودند که بخشی از افعال الهی به آنان تفویز شده بود و آن ها در حین مخلوق بودن کارهای مهمی بر عهده داشتند در حقیقت ربوبیت الهی را تصرف کرده و مالک افعال او شده بودند و به همین انگیزه در برابر آن ها خضوع می کردند در حقیقت ربوبیت و پرستش مختص به خدای متعال که همه چیز از وجود پروردگار است و همه مخلوق او هستند. اعتقاد به این که شفاعت فقط در محضر الهی پذیرفته و مقبول است با توجه به مطالب یاد شده می توان به مفهوم دقیق و جامع عبادت مخصوص پروردگار عالمیان است و به فرموده قرآن اتحاد و هم بستگی مایه عزت و پیروزی است. عبادت خضوع و تزلزلی است جوشیده از عقیده خاص است.

اتحاد و یک پارچگی میان مذاهب اسلامی رمز بقا و پیشرفت اسلام و مسلمین بوده است، جنبش وهابیت این محصول نا مطلوب سبب شد که متاسفانه نام اسلام در اذهان بسیاری از مردم جهان با خشونت توأم گردد و بهانه و دستاویز بدی به دست مخالفان اسلام دهد تا آن جا که بسیاری از کشور های مسلمان را جماعتی آدم کش معرفی کند البته تبلیغات سوء آمریکایی ها و بخصوص صهیونیسم نیز به این امر بسیار کمک کرد در حالی که اسلام پیام آور صلح، عدالت و محبت بوده و هست.

بدیهی است که چنین مسلکی در دنیای امروز جایی ندارد و در سرایشی سقوط است و پایان عمرش نزدیک است و از همه عجیب تر این که خشونت این گروه دامان حکومتی را که خودشان بر سر کار آورده اند گرفته و ترور های وحشتناکی را در کشور سعودی به راه انداختند تا آن جا که افراد تند رو را از امامت مساجد بر کنار ساخته که این خود دلیل دیگری بر نزدیک بودن پایان عمر وهابیت متعصب است.

## فهرست منابع و مآخذ

\*قرآن

- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۷۳.
- ۲- علاءالدین علی بن حسام (متقی هندی)، کنز العمال، حدیث ۹۵-۱۰.
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، وهابیت بر سر دو راهی، چ ۹، ج ۱، قم، مدرسه علی بن ابی طالب، ۱۳۸۶.
- ۴- سبحانی، جعفر، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، چ ۴، ج ۱، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸.
- ۵- ج ۱، شمس الدین ذهبی، النبلاء، بیروت، مکتب دارالفکر، ۱۳۴۲.
- ۶- عباسی، محمد، دیوان خاقانی، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۶.
- ۷- بلاغی، شیخ محمد جواد، الرد علی الوهابیه، موسسه اهل بیت (علیه السلام).
- ۸- حمبل الصدقی الزهاوی، الفجر الصادق، الفجر الصادق فی الرد علی الفرقة الوهابیه، ۱۴۱۲.
- ۹- زینی دحلل، سید احمد، فتنه الوهابیه، مترجم: قادری حبیبی، وقف الاخلاص، استانبول، ۱۳۷۵.
- ۱۰- اینترنت، تبیان